

**سه شنبه 13 آذر 1397 - 26 ربیع الاول 1440 - 4 دسامبر 2018**

تشکیل اولین کنفرانس اسلامی فلسطین در تهران (1369ش)



تشکیل اولین کنفرانس اسلامی فلسطین در تهران (1369ش)

در این روز اولین کنفرانس اسلامی فلسطین با محور همبستگی جهانی با قیام انتفاضه و مقابله با ادامه مهاجرت یهودیان به فلسطین، کار خود را در تهران آغاز کرد. در این کنفرانس، مبارزان و اندیشمندان مسلمان فلسطین، ایران و برخی دیگر از کشورها حضور داشتند. مباحث اصلی مورد بررسی در این کنفرانس، شامل ابعاد و علل قیام انتفاضه مردم فلسطین، انقلاب اسلامی فلسطین و تأثیر تحولات منطقه بر فلسطین بود.

مهاجرت علمای ایرانی مقیم عراق به ایران در پی اولتیماتوم روسیه به دولت ایران (1290ش)

مجلس شورایی ملی در سال 1289 ش تصویب کرد که ایران برای اصلاح امور اقتصادی خود، مستشار مالی از آمریکا استخدام کند. در پی آن مورگان شوستر آمریکایی به مدت سه سال به عنوان خزانه‌دار؛ rlm& دارای کل کشور منصوب شد. این عمل با مخالفت شدید روسیه تزار مواجه گردید و پس از بهانه rlm& های بسیار، به ایران هشدار داد که اگر شوستر از ایران اخراج نشود، به ایران لشکرکشی خواهد کرد. هنگامی که مجلس در برابر این اولتیماتوم مقاومت کرد، دولت روس، شمال ایران را اشغال کرد و تا قزوین پیش رفت. زمانی که روحانیون ایرانی مقیم عتبات عالیات مقدسه عراق از جریان اولتیماتوم روسیه به ایران با خبر شدند، برای نجات ایران از ذلت و مبارزه با روس rlm& ها تصمیم گرفتند تحت رهبری آیت rlm& آخوند خراسانی و شیخ عبداللّه مازندرانی به ایران باز گردند. ولی آیت rlm& آخوند خراسانی که قصد عزیمت به ایران را داشت، به طور کاملاً مشکوکی بر اثر یک بیماری ناگهانی وفات نمود و این حرکت، باز ماند. دولت ایران سرانجام به ناچار در برابر خشونت دولت روسیه تزاری تسلیم شد و به خدمت مستشاران آمریکایی پایان داد. صلح امام حسن (ع) با معاویه بن rlm& ابی rlm& سفیان (41 ق)

پس از شهادت امام علی (ع) شیعیان کوفه با امام حسن مجتبی (ع) پسر ارشد آن حضرت بیعت کرده و او را به خلافت برگزیدند. امام، لشکری دوازده هزار نفری به رهبری قیس بن سعد به جنگ معاویه فرستاد و خود روانه rlm& ی مداین شد. هنوز بین سپاه امام و معاویه جنگی روی نداده بود که شایعه rlm& ی کشته شدن قیس بن سعد، شیرازه rlm& ی سپاه حضرت را از هم گسیخت. در این میان، جمعی حتی سرپرده rlm& ی امام را نیز غارت کرده و یکی از آنان خنجری بر ران حضرت وارد نمود. با این وضع، مسلّم شد که با چنین مردمی به جنگ معاویه و لشکر منظم او رفتن صلاح نیست. بدین ترتیب، امام حسن با معاویه وارد مکاتبه و مذاکره گردید و قرار بر این شد که امام از خلافت کناره rlm& گیری کند به شرط این که معاویه پس از خود، فرزندانش را به خلافت معین نکند، از امام علی (ع) به زشتی یاد ننماید و... امام حسن (ع) rlm& غم میل باطنی، این صلح را پذیرفت و پس از پنج ماه و نیم، از خلافت کناره گرفت و با اهل بیت خود عازم مدینه گردید.

رحلت آیت الله "ابوالمکارم زنجانی" عالم و دانشمند (1330 ق)

آیت rlm& آله ابوالمکارم زنجانی در سال 1255 ق در زنجان متولد شد و پس از تحصیلات مقدماتی، برای تکمیل آموخته rlm& هایش به حوزه rlm& ی نجف رفت و از محضر علمایی چون شیخ مرتضی انصاری بهره rlm& های فراوان برد. آیت rlm& آله ابوالمکارم زنجانی پس از فوت پدرش، مرجعیت امور دینی و شرعی مردم در زادگاه خود را بر عهده گرفت. این عالم گرانقدر در دوران انقلاب مشروطه، همچون دیگر علمای آگاه و مبارز، علیه استبداد حاکم به مبارزه پرداخت. مَخْرَجُ الرِّضْوَانِ و مِفْتَاحُ الطَّقَرِ از جمله آثار این عالم برجسته rlm& ی ایرانی است.

مرگ "توماس هابز" فیلسوف و نظریه پرداز برجسته انگلیسی (1679م)

توماس هابز، فیلسوف معروف انگلیسی در پنجم آوریل 1588م در این کشور به دنیا آمد. وی از نوجوانی به نگارش کتاب پرداخت و پس از آن برای ادامه تحصیلات خود وارد آکسفورد شد. هابز از آن پس با مطالعات فلسفی خود، از ماکیاوولی، فیلسوف ایتالیایی تأثیر پذیرفت و به نشر افکار خود پرداخت. فلسفه هابز از علاقه و رغبت او به حوادث و امور عالم سرچشمه می rlm& گرفت. وی فیلسوفی بود به حد افراط مادی. از دیدگاه او، اجتماع همانند یک ماشین است که تنها قدرت فرمان rlm& روا می rlm& تواند آن را به کار اندازد. هابز می rlm& گفت: برای فرار از نابسامانی جوامع، آدمیان دور هم جمع می rlm& شوند و جوامعی را که ترجیحاً تحت اداره یک قدرت قانونی مرکزی است، تشکیل می rlm& دهند. غرض از این اجتماع آن است که از بروز جنگ میان افراد جلوگیری شود. هابز تأکید می rlm& کند که پیمان و قراردادی که میان افراد یک جامعه بسته می rlm& شود به وسیله یک تن بهتر به اجرا در می rlm& آید. به عقیده او هر جا تفرقه قدرت هست، آشوب و اغتشاش نیز وجود دارد. بنابراین، پیمان بسته می rlm& شود که افراد جامعه از پیشوایان خود اطاعت کنند. در حقیقت، افراد به یک نوع انقیاد اختیاری برای تمام عمر گردن می rlm& نهند و این قرارداد با شمشیر به اجرا گذاشته می rlm& شود، زیرا قراردادی که زور و شمشیر از آن حمایت نکند، حرفی بیش نیست. هابز می rlm& گوید:

قدرت شاه باید نامحدود باشد. وی باید همه افکار را سانسور کند. به همه ادیان نظم دهد، هر تدبیری را به دقت بسنجد و هر طغیانی را فرونشاند. باید قوانین مربوط به مالکیت را تهیه و تنظیم کند، زیرا همه املاک، در تحلیل واپسین به شاه تعلق می‌گیرد. هابز می‌گوید: خیلی آسان می‌توان مردم را معتقد ساخت که اطاعت از پادشاه، وظیفه‌ای الهی است، زیرا ذهن آدمی راغب و فریفته عقاید دینی است. می‌توان در کلیسا، خطابه‌ها و موعظه‌های خاصی، و در مدارس، درس‌های مخصوصی قرار داد و به وسیله ضرورت، اطاعت از پادشاه را در اذهان مردم فرو کرد. همچنین هابز معتقد بود که زندگی افراد جامعه به تمامی در ید قدرت پادشاه است و هرگونه ابراز نارضایتی از کار حاکم، حتی اگر به جا باشد، باید به سختی سرکوب شود. بدین ترتیب، چون هابز سلاطین را خداوندان روی زمین می‌دانست، به نوعی سلطنت استبدادی گرایش پیدا کرد و از خصوصیات پادشاه آن می‌دانست که احتیاجی به حفظ قول و عمل به آن ندارد. اندیشه‌های هابز را می‌توان بدین ترتیب برشمرد: حاکم، اقتدار نامحدود دارد و هرگونه نافرمانی از اتباع جامعه، غیرقابل قبول و غیرعادلانه است؛ طبیعت اصلی همه آدمیان یکسان است و همه، تبهکار و درنده خو هستند. در حکومت استبدادی مورد نظر هابز، از سازمان‌های سیاسی یا بحث‌های مشاجره‌آمیز خبری نیست و همه اقشار جامعه، به مثابه نوکران و خدمت‌گزاران شاه و عامل و مفسر نیات و اراده او هستند. پس از این مباحث، هابز فلسفه خود را اختتام می‌بخشد و اظهار امیدواری می‌کند که شاهان، حکمت وی را مدنظر قرار دهند و به استبداد بپردازند. هابز، انسان را تحت تربیت غریزه می‌دانست ولی به هنگام شکل‌گیری قدرت، وی فرد محاسبه‌گری خواهد بود که این نظر هابز مورد نقد منتقدان قرار گرفته است. هابز نظرات خود را در کتاب‌هایی چون علم سیاست، فلسفه درباره حکومت و قدرت یک دولت مطرح ساخته است. هابز توقع داشت که وفاداری و خدمت او را به پادشاهان، با برقراری مستمری کافی، پاداش دهند. پادشاه وقت نیز چنین کرد و یک‌صد لیره در سال برای او اختصاص داد. اما خود هابز گفته بود که پادشاه احتیاجی به حفظ قول خود ندارد، از این رو، پادشاه انگلستان نیز هرگز به قول خود عمل نکرد و مستمری هابز هرگز به او نرسید. توماس هابز سرانجام در 4 دسامبر 1679م در 91 سالگی درگذشت.